

## خون آبی، خون نارنجی

گوهر، پدربزرگ را بر دتوی اتاق پشتی که بعد از مرگ مامان زری شده بود انباری، دو کیسه ارزن و چهار کیسه برنج - از آن هایب که ارش به اسم هاشمی می داد بازار ولی وسطش پاکستانی و لاشه هم قاتی داشت- و کلی خنز رپنز را افتاده بود آنجا،

وسطشان به اندازه یک ویلچر را تودپی

فضا باز بود.
توی گوشش گفت: «مهمونا که برسن، زودی میام برت می دارم، بریم توی جشن!». این طوری می خواست رونمایی کند ازش. از پدربزرگ که نه، از لباس ۸۹ سالگی و ویلچر جدیدی که ارش برایش خریده بودو موهای تازه تراشیده اش که بچه ها اگر با این سر تاس می دیدنش، حتما می گفتند اینکه خود «بروس ویلیس» است. لای پنجره را باز گذاشت. در اتاق را قفل کرد و رفت.

گوهر که رفت، چشمت های پدربزرگ خریچید توی اتاق. یک جفت چراغ «بارفن» آن پایین بود. روی میز جاجوهری فرانسوی میناکاری شده ای قرار داشت. یک چراغ گلدانی دو تکه آ بالین که رویش نقاشی یک شیر بدون دم داشت، آن طرف اتاق افتاده بود. یک گلاب پاش دانه شان و چند تنگ لب پریده فتحعلی شاهي، گوشه دیگر اتاق بودند و جلوی شان، چمدان چرم ساغری زهوادر رفتنای خودنمایی می کرد. چمدان را که دید، بوی پوست اسب و الاغ بیچید توی دهنش. بوی مزه مزه تنباکوی براز جان و تصویر توتون هایی که قدشان تا کمر زری می رسید. سیگار دست پچی از توی جیب لباسش در آورد و روشن کرد. دودش را داد سمت پنجره نیمه باز اتاق.

بیرون، کش پاشنه بلند زنهای روی پارکت راه می رفت. آن طرف تر کسی زپ کاپشنش را با پایین کشید و تن شر کاپشن افتاد روی زرد رنگ رو رفته مبل و نور فنگی آن را پوشاند. جین ها و لباس های مجلسی و پلنگی ها یک به یک از راه رسیدند و تقریبا هال پر شد. کاپشن آمده بود مهمانی تا با پاشنه بلند گل ازین طرف تر کسی که زل زده بود و برای خودش آ تستی بود، مدام کلمه «سودل اوت» از زبانش نمی افتاد. به همه چیزی می گفت سولداوت! «صدای زوروق

#### تاریخنگار

### یوم... فراموش شده مشهد

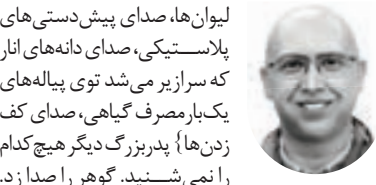


رضا سلیمان نوری

هر چند بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته، هنوز ناگفته‌های بسیاری از این حرکت ملی مردم ایران باقی مانده است. این امر بیش از هر چیز ناشی از این است که اغلب نویسندگان واهل تاریخ، تمرکز ویژه‌ای بر حوادث رخ داده در پایتخت در ایام منتهی

به پیروزی حرکت بزرگ مردم ایران گذاشته‌اند و کمتر وقایع شهرستان‌ها را رصد کرده و به بررسی نقش آن‌ها در پیروزی مردم ایران بر رژیم تا دندان مسلح پهلوی پرداخته‌اند. در این بین، برخی وقایع مهم شهرستان‌ها نیز که به دلیل گستردگی آن‌ها امکان نادریده گرفتنشان ازسوی نویسندگان وجودنداشت، به‌نوعی مورد توجه قرار گرفتند که وقایع مهم نزدیک به آن‌ها به‌طور کامل به فراموشی سپرده شد. مثلاً، ملموس آن برای مردم مشهد، وقایع دوم دی ۱۳۵۷ است که در سایه فاجعه ۹ و ۱۰ دی همان سال به‌طور کامل از دید اهل تاریخ پنهان ماند، این درحالی است که بروز این رخداد، خود زمینه‌ساز اصلی وقوع حوادث روزه‌ای بعد بود. واقعه ۲۳ آذر و حمله نظامیان به بیمارستان امام رضا(ع)، آن چنان برای مردم مشهد سنگین بود که آنان هر روز به تظاهرات علیه رژیم پهلوی می‌پرداختند و خواستار بازداشت مجازات عوامل این حمله بودند. این رفتار در دوز نخست دی نیز با وجود گذشت بیش از یک هفته از آن فاجعه ادامه داشت. مردم در این روزها نیز با انجام تظاهرات، از جناز خود را از وقایعی چون ۲۹ آبان و ۲۳ آذر اعلام کردند و به طوعی خواستار پایان سلطنت پهلوی شدند. روز ۲۹ دی دوراهییمایی جداگانه در صبح و بعد از ظهر برگزار شد. بر تظاهرات صبح اقشار مختلف مردم، بازاریان، دانشگاهیان و فرهنگیان به‌همراه روحانیان مبارز و دیگر انقلابیان از ساعت ۱۰ بعداز، در مسیر خیابان امام رضا(ع) (تهران سابق)، خیابان‌های جنت وامام خمینی(ره)، خسروی و خسروی نوا اقدام به راهپیمایی کردند. در این روز، راهپیمایان عکس‌هایی از امام خمینی و دکتر شریعتی و سیدهای گل با خود حمل می‌کردند. آنان در پایان راهپیمایی، وارد رواق امام خمینی (صحن پهلوی سابق) شدند و به متحصنان جامعه روحانیت پیوستند. شهیدان هاشمی نژاد و کامیاب‌در این جمع سخنرانی کردند و باقر اسدین زمان نماز ظهر، این تظاهرات را پایان رسید. شهر یابی مشهد گزارش زیر را درباره راهپیمایی به‌مرکز مخابره کرد: «تعداد ۶ هزار نفر از طبقات مختلف در راهپیمایی صبح روز دوم ی شرکت داشتند و سید عبدالکریم هاشمی نژاد علیه رژیم پهلوی سخنرانی نمود و پس از سخنرانی، تعدادی از آن‌ها به طرف منزل آیت‌ا...، سید عید... شیرازی به حرکت درآمدند.»

البته تظاهرات اصلی این روز در بعد از ظهر برگزار شد. طبق اسناد و خاطرات موجود، ابتدا عده ای نزدیک به ۰۰ ش نفر مقابل منزل آیت...، العظمی سید عید...، شیرازی در نزدیکی چهارراه قدس (چهارراه نادر این سابق)، جمع می‌شدند و حسب معمول به خواندن اعلامیه و تبادل نظر می‌پرداخت. حدود ساعت ۱۴:۳۰ بعد از ظهر، مأموران فرماندار نظامی به‌منظور متفرق کردن جمعیت، شروع به تیراندازی هوایی می‌کنند اما با بلند شدن این صدا، بر جمعیت مردم افزوده می‌شود. ارتشی‌ها با دیدن این صحنه، بار دیگر شروع به تیراندازی می‌کنند که بر اثر این تیراندازی، عده‌ای از مردم مجروح و حتی شهید شدند و همین امر باعث خشم بیشتر مردم شد. این خشم تا آن حد بود که مردم به تیراندازی سلاح مشهد از خود عکس العمل نشان دادند و به تانک‌ها و مأموران هجوم بردند. بنابر اظهار شهود، گروهی از مردم یک نفر از نظامیان را در حین عوض کردن نوار مسلسل، دستگیر می‌کنند و زدن آیت...، العظمی شیرازی می‌برند. البته روایت رژیم پهلوی از دلائل آغاز این درگیری به گونه‌ای دیگر است. براساس گزارش کلاتری بخش ۳ مشهد، در ساعت ۱۴:۳۰ مورخ دوم دی ۱۳۵۷ عده‌ای از مردم تظاهرات کننده در خیابان نادری (شیرازی)، در کوچه مقابل منزل آیت...، العظمی شیرازی، یک سرهنگ شهربانی را دستگیر کردند و به داخل مغازه پا رچه فروشی بردند و او را اکت زدند. در همین زمان، اکیب فرماندار نظامی منطقه، برای دستگیری تظاهرات کنندگان و نجات افسر شهربانی به آنجا اعزام شدند. سرهنگ مزبور، پس از کمک کاری ارامدی شود، ولی مردم همچنان به مقابله با نیروهای فرماندار نظامی ادامه می‌دهند و به طرف دوکیمیل جیب و تانک‌ها و نفر برها با سنگ و آجر حملو می‌شوند. شهیدهای اتومبیل را می‌شکنند و کفر آن‌ها مجروح می‌شود که فرد مجروح با آمبولانس به بیمارستان منتقل می‌شود. براساس اسناد موجود، در جریان این تظاهرات و حمله مأموران رژیم به سمت جمعیت انقلابی، ۸ نفر شهید و ۶۲ نفر مجروح شدند. همچنین نیروهای نظامی برای ایجاد وحشت و متفرق کردن مردم، اقدام به تیراندازی و کشتار کردند تا دیگر انقلابیان جرئت پیدا نکنند در این مراکز حضور یابند و بدین گونه روز خونین دیگری در تاریخ انقلاب اسلامی مشهد خلق شد.



کبیرانگ علایی نویسنده و عکاس

داشت «گلش رویال» بازی می کرد.

هال زیر رقص نور، تیرباران شده بود و از بدن سوراخ سوراخ خون صورتی، خون آبی، خون نارنجی می‌زد بیرون. کیک قرمز رنگ ۸۹ سالگی زیر یک لکه نور آبی، بنفش شده بود و هیچ کس نمی دیدش. از آن همه سوراخ رنگی، یکی هر چند ثانیه می افتاد روی در انباری. پدربزرگ نمی دیدش، اما آخر شب، نور چراغ ماشین‌های مهمانان تولد، از پشت شیشه مات اتاق، یکی یکی افتاد روی سقف اتاق باشکوه شد. کشیده شدن انداز یک سالن بیضی شد، دوز نقه شد و دوباره مستطیل شد. بعد تمام وسایل اتاق هولناک شدند. خاستری شدند و خودشان را در ابعادی بزرگ، پهن کردند روی دیوارها. بعد که همه ماشین‌ها را رفتند، از یک یکی مطلق شد. پدربزرگ با دست‌های نیمه جانش، ویلچر را حرکت داد، رفت سمت کیسه برنج خم شد. در کیسه را باز کرد. یک مشت شیشک آزاد شدند و توی سیاهی اتاق گم شدند بعد چند دانه برنج برداشت و ریخت گوشه اتاق. از کیسه ارزن هم کمی کنج اتاق ریخت. گوهر لباسش را عوض کرد. ارش زودتر خوابید. گوهر رفت توی انباری که چند پیامنه برنج برای ناهار فردا بر دارد. چشمش افتاد به پدربزرگ که خواب بود وسط اتاق. یادش رفت چرا پدربزرگ اینجااست و اصلا کی آمده است توی این اتاق.

– «چرا اینجا اومدی وسط سرما؟»

رفت سراغ کیسه برنج. توی تاریکی ندید که مورچه‌ها صف کشیده‌اند و دانه‌های برنج و ارزن را با خود می‌برند توی سوراخ‌هایشان. سه پیامنه برنج ریخت توی کاسه و بعد پاشنه بلند گل ازین طرف تر کسی که زل زده بود و برای خودش آ تستی بود، مدام کلمه «سودل اوت» از زبانش نمی افتاد. به همه چیزی می گفت سولداوت! «صدای زوروق



۱۳۵۷

#### حدیث روز

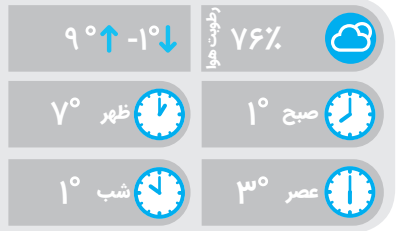
**خردمند نه در سختی غم می خورد و نه در خوشبختی شادی می کند.**

حضرت محمد(ص)

اذان ظهر ۱۱:۳۱

غروب آفتاب ۱۶:۲۰

اذان مغرب ۱۶:۴۱



نیمه شب شرعی ۲۲:۴۵

اذان صبح فردا ۵:۰۹

طلوع آفتاب فردا ۶:۴۱

**روزنامه شهر امید و زندگی**  
**SHAHRARANNEWS.IR**  
**۳شنبه**  
**۲۲ صفحه ۸۱ صفحه ۴۰ صفحه ۳۰ صفحه ۲۰ صفحه ۱۰ صفحه ۰۲ صفحه ۰۱ صفحه ۰۰ صفحه**  
**شماره ۳۲۸۱ | ۱۰۰۰ تومان**

میثاق نامه اخلاق حرفه‌ای

**Photoshahr.ir**

## واکسن کرونا؛ یک بام و چند هوا

چند خط درباره دفعه‌ه اصلی این روزهای مردم که برخی برایش، هشتگ راه انداخته‌اند

محبوبه عظیمزاده

m.azimzadeh@shahraranews.ir

حالا بیشتر از یک سال از زمانی که فیلم‌های کوتاهی از فوهان چین به بیرون درز پیدا کرد و خبر از حضور ویروس‌ی به نام کووید ۱۹ می‌داد، گذشته است. بریتانیا که این روزها ظاهرا دارد با یک نوع جهش یافته و مسری‌تر این ویروس دست و پنجه نرم می‌کند، از روزهای گذشته واکسیناسیون جمعی خود را آغاز کرده است. ایالات متحده همین‌طور.

این اتفاق به‌زودی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز رخ خواهد داد. عراق و عربستان هم برای واردات آن تلاش می‌کنند و عربستان اعلام کرده است که این واکسن را رایگان در اختیار شهروندانش خواهد گذاشت. اکوادور، قزاقستان، پاناما و ونزوئلا هم جزو کشورهایی هستند که دوز زیادی از واکسن کرونا را خریده‌اند. در چنین روزهایی که کشورهای دنیا دارند به این در و آن در می‌زنند تا به هر طریق ممکن با تهیه واکسن، سلامت شهروندانشان را تأمین کنند، ما همچنان درگیر یک سوال بزرگ و اساسی هستیم که واکسیناسیون علیه کرونا در کشور ما، از چه زمانی آغاز خواهد شد؟

مشکل خرید واکسن کجاست؟

این میان، حرف‌های متناقض دست‌اندرکاران و نحوه اطلاع‌رسانی عجیب و غریبشان هم کلی به این ابهام‌ها و سوال‌های بی‌پاسخ، دامن زده است. یک روز رئیس کمیته علمی ستاد مقابله با کرونا اعلام می‌کند: به دلیل نداشتن امکانات و شرایط لازم از دریافت واکسن فایزر انصراف داده ایم. روزی دیگر، رئیس سازمان هواپیمایی کشور می‌گوید: هیچ مشکلی در این زمینه نداریم. اما به‌نظر می‌رسد مشکل واقعی جای دیگری باشد؛ جایی که رئیس جمهور و رئیس کل بانک مرکزی به آن اشاره‌هایی کردند: «به‌خاطر وجود تحریم‌ها برای خرید واکسن مشکل داریم.» با این حال وزیر بهداشت درباره تهیه واکسن کرونا گفت: «بیکار ننشسته‌ایم و چراغ خاموش پیش می‌رویم.»

چرا واکسن نمی‌خرید؟

پیگیری خرید واکسن کرونا این روزها تبدیل به هشتگ‌های

## آبی‌ها؛ شاکی از یک سریال تلویزیونی

واکنش کاربران به سکانسی که یک تروویست با پرچم استقلال وارد ورزشگاه می‌شود

ارژنگ حاتمی

a.hatami@shahraranews.ir

در جدیدترین قسمت سریال «خانه امن» که شب یلدا روی آنتن شبکه یک سیما رفت، یکی از تروویست‌های داعش با پوشش هوادار استقلال وارد استادیوم می‌شود و پرچم بی‌ را به دوش می‌کشد. همین موضوع کافی بود تا هواداران استقلال در فضای مجازی، واکنش‌های تند ی را علیه این سریال نشان دهند.

چقدر ظلم به استقلال؟

برخی واکنش‌ها در این زمینه ازسوی طرفداران دواآتشه استقلال بود. کاربران استقلال ی در اغلب این واکنش‌ها صداسیما، نویسنده سریال و کارگردان را مورد عنایت خودشان قرار داده بودند. بر خی از آن‌ها نیز معتقد بودند این بخش از سریال، گاف نبوده و از قبل برایش برنامه‌ریزی صورت گرفته است. کاربر ی نوشت: «این فیلم است، منتها تفکری که پشت این سریال هست رو داره نشون می‌ده. ما تیم خودی و غیر خودی داریم و استقلال از نظرشون همیشه غیر خودی بوده و هست.» کاربر دیگری هم نوشت: «همیشه استقلال مظلوم واقع می‌شه. چقدر خیانت به استقلال؟ چقدر ظلم؟»

حتما رئیس صداسیما هم پرسپولیسیه

در این میان برخی کاربران پرسپولیسی هم وارد میدان شدند. اکثر واکنش‌های آن‌ها آمیخته به زبان طنز بود. از جمله کاربر ی که نوشت: «این استقلالی‌ها همیشه تخصصشون در ترکوندن بمب در نقل و انتقالات است؛ به همین خاطر داعشی رو با لباس آبی نشون دادند!». کاربر دیگری هم به طعنه نوشت: «حتما از این بعد می‌گن رئیس صداسیما هم پرسپولیسی است.» یکی دیگر از طرفداران پرسپولیسی هم با اشاره به فیلمی از خوشحالی تعداد اندکی از تماشاگران ایرانی بعد از گل خوردن پرسپولیسی در بازی فینال جام باشگاه‌های آسیا، نوشت: «حالا اینکه فیلم هست و الکی، منتها شماها چهره واقعی‌تون رو توی بازی فینال و طرفداری از تیم ک‌رهای نشون دادید.»

چیز خاصی نبود

در میان طرفداران دواآتشه استقلال و پرسپولیسی، بودند کاربرانی که طرفدار یکی از این دو باشند و با منطق بیشتری درباره این موضوع اظهارنظر کنند. کاربر ی که خودش را پرسپولیسی می‌دانست، نوشت: «با اینکه پرسپولیسی هستم، اما معتقدم نباید تلویزیون چنین تصویری را پخش می‌کرد. درست است که مطمئنا هدف کارگردان دو توهین به طرفدارهای استقلال نبوده، اما باید صداسیما می‌دونست که پخش چنین تصویری، باث سوءتفاهم‌های زیادی خواهد شد.» از طرف دیگر، کاربر ی که طرفدار تیم آبی

داغ توئیتر شده است. پیش از این هم شاهین صمدپور، خبرنگار با هشتگ «واکسن کرونا؛ مطالبه ملی» حرف‌هایی در این زمینه زده بود. کاربر ی نوشت: «امیدوارم سهم مردم ایران از واکسن، دیدن واکسینه شدن کشورهای دیگه نباشه.» و کاربر دیگری به طعنه پیشنهاد داده بود: «فایز نمی‌شه، مدرنا بخريد. بخیال ما، واکسن با شما.» کاربر دیگری بعد از تأییدیه گرفتن واکسن مدرنا، توئیتی به این شرح نوشت: «واکسن شرکت مدرنا هم تأییدیه FDA گرفت. واکسنی که در دمای منفی ۲۰ درجه جابه‌جا می‌شود و برای مدت زمان نسبتاً مناسبی تا قبل از استفاده، در دمای یخچال معمولی هم نگهداری می‌شود.» کاربر دیگری هم در اینستاگرام با طرح اینکه امروز یک سوال از وزیر بهداشت وجود دارد، هشتگ زد و نوشت: «آقای وزیر! چرا واکسن نمی‌خرید؟»

توئیتری که حواسش به تحریم‌ها نیست

در این میان، نکته‌ای که شاید از دید برخی کاربران توئیث در فضای مجازی نادیده گرفته‌شده است، تحریم‌های ناجوانمردانه‌ای است که خرید و واردات واکسن کرونا را برای کشورمان سخت کرده است. همین مهر امسال بود که تحریم بانک شهر، مانع تحویل ۲ میلیون دوز واکسن آنفلوانزا شد. رئیس جمعیت هلال احمر در این باره گفته بود: «تحریم گسترده بانک‌های دولتی و خصوصی سبب شده انتقال پول واکسن برای هلال احمر و وزارت بهداشت با مشکل همراه باشد. مجبور هستیم پول را بدون تضمین به فروشندگان بدهیم و این موضوع کاری پرریسک است که به‌خاطر هموطنانمان پذیرفته‌ایم.» نکته‌ای که محمدرضا باقری هم به آن اشاره می‌کند. او با نقد هشتگ «واکسن بخريد» در توئیتی نوشت: «#واکسن\_بخريد خیلی ساده اندیشانه است. واکسن آنفلوانزای خریداری‌شده را به ایران ندادند. با صد ضرب‌وزوز ۱۶ میلیون دوز خریداری‌شده، ۲ میلیون دوز وارد شد، آن‌هم بعد از فرصت طلایی تزریق. واقعا فکر می‌کنید تحریم‌ها اجازه انتقال پول واکسن را می‌دهد؟ شرکت‌ها جرئت فروش واکسن به ایران دارند؟»

همه این ماجراها در حالی است که به گفته مینو محرز، عضو کمیته ملی ستاد مقابله با کرونا، اگر همه چیز با موفقیت پیش رود، می‌توانیم اواخر بهار واکسن ایرانی را داشته باشیم.



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نیش دانشگاه ا
- دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵
- نمابر: ۳۷۲۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۴۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان



ردیف بودجه ساخت قطار شهری در آلبوم اقتصادی ۱۴۰۰ کشور فقط کفاف ساخت ۴۵ متر از متروی مشهد را می‌دهد!

فیروزه مافری

## ما درست شویم، کشور درست می‌شود

غلامرضا بنی اسدی

دنیا، شرح رفتار ما آدم‌های زیست‌کننده بر این کره خاکی است. آنچه هست، نقشی است که خود ما می‌زنیم. اگر زیبا، اگر ناجور، شرح هنرمندی خود ماست. و نمی‌توانیم زیبایی‌ها را به حساب خود، فاکتور کنیم و کسری‌ها و زشتی‌ها را در فهرست مطالبات خود از دیگران بنویسیم. ما هستیم و دنیا، شرح رفتار ماست.

زیبا تصویر کرده بود ظریف نویسی به این کلمات: «بابا داشت روزنامه می‌خوند. بچه گفت: بابا! بابا بی‌بازی. بابا که حوصله بازی نداشت، تکه‌ای از روزنامه را که نقشه دنیا بود، تیکه‌تیکه کرد و گفت: فرض کن این پازله...!... درمستش کن! چند دقیقه بعد بچه درستش کرد. بابا، با تعجب پرسید: تو که نقشه دنیا رو بلد نیستی، چطور درستش کردی؟ بچه گفت: آدمای پشت روزنامه رو درست کردم، دنیا خودش درست شد.»

درست گفت این بچه باهوش. واقعیت هم همین است. اگر «آدمای دنیا درست بشن، دنیا هم درست می‌شه.» پس برای درست شدن دنیا، اول برای درست شدن خودمان اقدام کنیم. قصه کشور ما، استان ما، شهر ما و محله ما و خانه ما هم همین است. درستی‌ها به اندازه درستی خود ماست. قوام و بقای کشور و شهر و خانه هم به همین است. اگر می‌خواهیم اوضاع در خانه و شهر و کشور درست شود، ما مردمان عادی و به‌ویژه حضرات مسئولان باید بیش از گذشته برای اصلاح رفتار و گفتار و حتی پندار خود، تلاش کنیم و کنند. بدانند و بدانیم که دایره مسئولیت هر فرد به گستره حوزه نفوذ و مسئولیت اوست. من اگر بشکنم، خانه‌ای فرو می‌ریزد و مسئولان اگر -خدای نگردد- بشکنند، شهری، ولایتی، پارای از کشور، قد خم می‌کند. همه چیز که سر جای خود باشد، همه که نهایت همت خود را به‌کار برند، بهترین تدبیر‌ها که در کار شود، رویه دیگران ایرانی آباد و آزاد و مستقل و مقتدر خواهد بود که هر تصویرش، جهانی را به‌سوی خویش خواهد کشاند. چنین باد آن‌شاء...!

## زین قیدید

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

❖ نشانه دوتایی‌مانند: پرائتز، گیومه، کروشه و خط فاصله به واژه و متن پس از خود وابسته هستند و بدون فاصله از متن درون از خود نوشته می‌شوند و با کلمه پیش و پس از خود یک فاصله می‌گیرند.

❖ سخن و شبیه سخن این خلدون (مقدمه، ج ۱، ص ۱۰۷) است.

❖ هیچ صفت نیکی چون «صداقت» نیست.

#زین\_قید\_یاسی

### مجله عصر شکر هجده شصت

### برای خواندن مجله

### عصر شهر آرا

### کد را اسکن کنید

